



Analysis of Spatial Justice in Neighborhoods of Marvdasht City in Access to Urban Services

Masoud Ahmadi¹ , Behnam Moghani Rahimi² , Ahmad Amini³

1. (Corresponding Author) Department of Geography and Urban Planning, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Email: sh.ahmadi2010@yahoo.com

2. Department of Geography and Urban Planning, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Email: moghani@uk.ac.ir

3. Department of Urban Design, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: ahmadamini13585@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received:

26 December 2025

Received in revised form:

4 March 2026

Accepted:

28 March 2026

Available online:

10 May 2026

Keywords:

*Spatial Justice,
Access to Urban Services,
Urban Neighborhoods,
Equitable Distribution,
Marvdasht City.*

ABSTRACT

Contemporary cities, particularly in developing countries, are experiencing continuous population growth and urbanization, which necessitates attention to the establishment of spatial justice in the distribution of urban services. The inappropriate distribution of urban services can lead to citizen dissatisfaction and an increase in social and economic inequalities. This study aims to examine equitable access to urban services (health centers, education, public transportation, parks, and green spaces) across different neighborhoods of Marvdasht city, identify existing inequalities in this regard, and provide solutions for improving the distribution of urban services and enhancing the quality of life of residents. This research is descriptive-analytical in nature. The statistical population included all citizens of Marvdasht city (166,000 people), and based on Cochran's formula, a sample size of 384 individuals was determined. Data were analyzed using a researcher-designed questionnaire and SPSS software, employing statistical methods such as the chi-square test and Tukey HSD. The results indicated that the distribution of urban services across different neighborhoods of Marvdasht has been unbalanced. Central and more populous neighborhoods such as "Saipa" and "Masjed al-Rasoul to Tamin Ejtemaei" have the highest level of access to services, while peripheral neighborhoods such as "Shahr bani to Bagh Farhadi" and "Sehlabad and Ferdowsi" are more deprived in this regard. The largest share belongs to respondents who have access to educational centers (79.9%); however, the existence of neighborhoods with poor access or long travel times requires the attention of urban managers. These inequalities demonstrate the necessity of more precise and justice-oriented planning to reduce existing gaps in the distribution of urban services. The most important demands of citizens for urban improvement pertain to developmental and economic domains, and the present recommendations include increasing investment in deprived neighborhoods, developing the public transportation network, and establishing educational and health centers in peripheral areas.

Citation: Ahmadi, M., Moghani Rahimi, B., & Amini, A. (2026). A Analysis of Spatial Justice in Neighborhoods of Marvdasht City in Access to Urban Services. *Journal of Urban Planning and Design*, 2 (1), 21-37.

<http://doi.org/10.22034/j94594.2026.230992>



© The Author(s)

Publisher: Iranian Geography and Urban Planning Association.



تحلیل عدالت فضایی محلات شهر مرودشت در دسترسی به خدمات شهری

مسعود احمدی^۱، بهنام مغانی رحیمی^۲، احمد امینی^۳

- ۱- گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. رایانامه: sh.ahmadi2010@yahoo.com
- ۲- نویسنده مسئول، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. رایانامه: moghani@uk.ac.ir
- ۳- گروه طراحی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ahmadamini13585@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸ تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ واژگان کلیدی: عدالت فضایی، دسترسی به خدمات شهری، محلات شهری، توزیع عادلانه، شهر مرودشت.	شهرهای امروزی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با رشد جمعیت و شهرنشینی مستمر مواجه هستند که نیازمند توجه به برقراری عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری است. عدم توزیع مناسب خدمات شهری می‌تواند منجر به نارضایتی شهروندان و افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی شود. بررسی دسترسی عادلانه به خدمات شهری (مراکز بهداشتی، آموزشی، حمل‌ونقل عمومی، پارک‌ها و فضای سبز) در محلات مختلف شهر مرودشت و شناسایی نابرابری‌های موجود در این زمینه با هدف ارائه راهکارهایی برای بهبود توزیع خدمات شهری و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان شهر مرودشت (۱۶۶۰۰۰ نفر) بود که بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه معادل ۳۸۴ نفر تعیین شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه طراحی‌شده و ابزار SPSS به کمک روش‌های آماری مانند آزمون خی‌دو و Tukey HSD، تحلیل شدند. نتایج نشان داد که توزیع خدمات شهری در محلات مختلف مرودشت به‌صورت نامتعادلی صورت گرفته است. محلات مرکزی و پرجمعیت‌تر مانند "سایپا" و "مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی" بالاترین سطح دسترسی به خدمات را دارند، در حالی که محلات حاشیه‌ای مانند "شهربانی تا باغ فرهادی" و "سهل‌آباد و فردوسی" در این زمینه محروم‌تر هستند. بیشترین سهم مربوط به پاسخ‌دهندگانی است که به مراکز آموزشی دسترسی دارند (۷۹٫۹٪)، اما وجود محلاتی با دسترسی ضعیف یا زمان رسیدن بلند نیازمند توجه مدیران شهری است. این نابرابری‌ها نشان‌دهنده ضرورت برنامه‌ریزی دقیق‌تر و عدالت محور برای کاهش شکاف‌های موجود در توزیع خدمات شهری است. مهم‌ترین خواسته‌های شهروندان برای بهبود شهر شامل حوزه‌های عمرانی و اقتصادی بوده، و پیشنهادهای حاضر شامل افزایش سرمایه‌گذاری در محلات محروم، توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی، و احداث مراکز آموزشی و بهداشتی در مناطق حاشیه‌ای است.

استناد: احمدی، مسعود؛ مغانی رحیمی، بهنام و امینی، احمد. (۱۴۰۵). تحلیل عدالت فضایی محلات شهر مرودشت در دسترسی به خدمات شهری. *مجله برنامه‌ریزی و طراحی شهری*، ۲ (۱)، ۳۷-۲۱.

<http://doi.org/10.22034/j94594.2026.230992>



مقدمه

شهرهای امروزی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی مستمر، بیش از هر دوره دیگری نیازمند توجه به برقراری عدالت فضایی در توزیع کاربری‌ها و فعالیت‌های مختلف شهری می‌باشند (نصیری، ۱۳۹۷: ۱۳۳). به‌طوری‌که توزیع فضایی متعادل خدمات شهری از مهم‌ترین نشانه‌های عدالت اجتماعی به شمار می‌رود (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶). عدالت فضایی به‌منزله توزیع عادلانه خدمات و امکانات شهری به‌منظور رسیدن به یک جامعه متوازن و یکی از رهیافت‌های عدالت اجتماعی است. عدم توزیع مناسب خدمات باعث از میان رفتن عدالت و افزایش نارضایتی شهروندان از محل سکونت خود و مدیران شهری خواهد شد (یغفوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱). شهرها به‌عنوان کانون اصلی فعالیت‌های انسانی، نقش بسزایی در تأمین نیازهای اساسی شهروندان ایفا می‌کنند. دسترسی عادلانه به خدمات شهری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه پایدار شهری است که بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر مستقیم دارد. عدالت فضایی به معنای توزیع عادلانه خدمات و امکانات شهری در سطح شهر است، به‌گونه‌ای که تمامی شهروندان، صرف‌نظر از موقعیت مکانی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی، بتوانند به این خدمات دسترسی داشته باشند. در این راستا، تحلیل فضایی- اجتماعی محلات شهری و بررسی عدالت دسترسی به خدمات شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Hosseini et al., 2021: 1). این توسعه نامتوازن منجر به نابرابری در توزیع خدمات شهری شده است، به‌طوری‌که برخی محلات از دسترسی مطلوب به خدمات اساسی مانند مراکز بهداشتی، آموزشی، تفریحی و حمل‌ونقل عمومی محروم هستند. این نابرابری‌ها نه‌تنها کیفیت زندگی ساکنان این محلات را تحت تأثیر قرار داده، بلکه موجب تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز شده است (Sharma & Patil, 2021: 73). یافته‌ها نشان می‌دهند که شهرها در سراسر جهان با نابرابری‌های فضایی و اجتماعی در توزیع خدمات مواجه هستند، به‌طوری‌که محله‌های کم‌درآمد و جوامع محروم اجتماعی معمولاً دسترسی ضعیف‌تری به خدمات دارند (Saroj et al., 2020; Zhao et al., 2020). مطالعات مختلف تأثیرات مثبت دسترسی به انواع مختلف خدمات عمومی بر جنبه‌های مختلف رفاه شهری را برجسته کرده‌اند. به‌عنوان مثال دسترسی به فضاهای سبز نشان داده‌شده است که هم سلامت جسمی و هم روانی را بهبود می‌بخشد (Wang et al., 2021)، و دسترسی به شغل‌ها تأثیر مثبتی بر درآمد متوسط خانوار در محله داشته است (Delmelle et al., 2021). علاوه بر این، دسترسی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی با بهبود رفاه محیطی مرتبط بوده است (Basu & Ferreira, 2021). از سوی دیگر، مطالعات همچنین نشان می‌دهند که توزیع ناعادلانه منابع می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر رفاه فردی و محیطی داشته باشد و ممکن است منجر به جدایی گزینی مسکونی در یک شهر شود (Cortés, 2021; Galaskiewicz et al., 2021).

شهر مرودشت به‌عنوان دومین شهر پرجمعیت و پراهمیت شهرهای استان فارس، با رشد سریع جمعیت و توسعه نامتوازن شهری مواجه است. در این راستا، بررسی عدالت فضایی- اجتماعی نیازمند تحلیل دقیق‌تر از چگونگی توزیع منابع و خدمات در سطح شهری است. رشد سریع جمعیت و توسعه نامتوازن شهری باعث شده است که برخی محلات از دسترسی مناسب به خدمات اساسی مانند مراکز بهداشتی، آموزشی، تفریحی و حمل‌ونقل عمومی محروم باشند. این نابرابری‌ها نه‌تنها کیفیت زندگی ساکنان این محلات را کاهش داده، بلکه موجب تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز شده است. در چنین شرایطی، بررسی عدالت فضایی و اجتماعی در توزیع خدمات شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق با هدف تحلیل دقیق‌تر از نحوه توزیع خدمات شهری و شناسایی نابرابری‌های موجود، به دنبال ارائه راهکارهایی برای بهبود دسترسی عادلانه به خدمات و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهر مرودشت است. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کارآمد نیازمند درک دقیق از وضعیت فعلی توزیع خدمات و شناسایی نقاط

ضعف و قوت آن است. این تحقیق با بررسی عدالت دسترسی به خدمات شهری، به مدیران و برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کند تا سیاست‌ها و برنامه‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که توزیع خدمات به‌صورت عادلانه‌تر و کارآمدتر انجام شود. علاوه بر این، توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی نابرابری‌های فضایی نیز حائز اهمیت است، زیرا عدالت اجتماعی تنها به توزیع منابع محدود نمی‌شود، بلکه نحوه تعامل افراد با یکدیگر و با محیط اطرافشان را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین، این تحقیق نه تنها به بهبود وضعیت فیزیکی شهر کمک می‌کند، بلکه به ارتقای روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان نیز می‌پردازد.

هدف کلی: تحلیل و بررسی میزان عدالت فضایی در دسترسی ساکنان محلات مختلف شهر مرودشت به خدمات شهری است. این مطالعه با رویکردی فضایی- منطقه‌ای، به دنبال شناسایی نابرابری‌ها و ناهماهنگی‌های موجود در توزیع خدمات شهری (مانند آموزشی، بهداشتی، حمل‌ونقل و ...) در بین محلات شهری است

اهداف جزئی: شناسایی وضعیت فعلی دسترسی به خدمات شهری (مانند مراکز بهداشتی، آموزشی، حمل‌ونقل عمومی، پارک‌ها و فضای سبز) در محلات مختلف شهر مرودشت.

بررسی نابرابری‌های فضایی در توزیع خدمات شهری و شناسایی محلات محروم از خدمات اساسی.

ارزیابی کیفیت خدمات شهری از دیدگاه شهروندان و میزان رضایت آن‌ها از خدمات موجود.

شناسایی موانع و مشکلات دسترسی به خدمات شهری در محلات مختلف شهر مرودشت.

ارائه پیشنهادها و راهکارهای عملی برای بهبود توزیع عادلانه خدمات شهری و کاهش نابرابری‌های فضایی.

سؤالات پژوهش: آیا توزیع خدمات شهری در محلات مختلف شهر مرودشت به‌صورت عادلانه انجام شده است؟

شهروندان محلات مختلف شهر مرودشت تا چه میزان به خدمات اساسی مانند مراکز بهداشتی، آموزشی، حمل‌ونقل عمومی و فضای سبز دسترسی دارند؟ کیفیت خدمات شهری در محلات مختلف شهر مرودشت از دیدگاه شهروندان چگونه است؟ مهم‌ترین موانع و مشکلات دسترسی به خدمات شهری در محلات مختلف شهر مرودشت چیست؟ چه اقداماتی می‌تواند دسترسی به خدمات شهری را در محلات مختلف شهر مرودشت بهبود بخشد؟

در این بخش، به بررسی پیشینه تجربی پژوهش‌های مرتبط پرداخته می‌شود تا زمینه‌های موجود شناسایی شده و چارچوبی برای درک بهتر مسئله فراهم گردد.

رضایی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر پراکنش خدمات شهری با تأکید بر رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر مشهد) و روش پژوهش، تحلیلی - کاربردی است و داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای از طرح جامع شهری مشهد و نقشه‌های کاربری اراضی مربوط به سال ۱۳۹۸ گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد توزیع خدمات شهری در شهر مشهد به‌صورت خوشه‌ای و عمدتاً در مناطق مرکزی و غربی (مانند مناطق ۱، ۹ و ۱۱) متمرکز است، درحالی‌که مناطق شرقی و حاشیه‌ای (به‌ویژه مناطق ۴، ۵، ۱۵ و ۱۷) با کمبود شدید خدمات مواجه‌اند. بر اساس مدل ANN، نسبت به‌دست‌آمده کمتر از ۱ بود که تأییدکننده الگوی خوشه‌ای توزیع خدمات است. نقشه‌های فازی و تحلیل لکه‌های داغ نشان داد مناطق شمال غرب و شمال شرق شهر کانون‌های جمعیتی‌اند، اما خدمات اساسی مانند درمانی و آموزشی در این نواحی محدود است.

امان‌پور و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان سنجش عدالت اجتماعی در ساختار فضایی بندر دیر با تأکید بر کاربری‌های خدماتی به بررسی توزیع فضایی خدمات شهری در شهر بندر دیر پرداختند. روش تحقیق این مطالعه توصیفی-تحلیلی بود و از تکنیک‌های GIS مانند فاصله اقلیدسی و هم‌پوشانی وزنی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

نتایج نشان داد که ۵۸٫۹٪ از مساحت شهر از نظر توزیع خدمات در سطح خوب و بسیار خوب قرار دارد، اما ۴۱٫۰۹٪ از مساحت شهر دارای توزیع ضعیف تا بسیار ضعیف خدمات است، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و جدید شهر.

ملکی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل شاخص‌های عدالت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهری در منطقه یک شهر کرمانشاه به بررسی عدالت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهری در منطقه یک شهر کرمانشاه پرداخته است. با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی و مدل‌سازی معادلات ساختاری، شاخص‌های عدالت اجتماعی مانند تفاوت، آزادی و فرصت برابر مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که این شاخص‌ها تأثیر مستقیم و معناداری بر توزیع عادلانه خدمات شهری دارند. همچنین، عدالت اجتماعی به‌طور مستقیم بر توزیع خدمات شهری تأثیرگذار است.

محمدی کاظم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر پراکنش خدمات و جمعیت شهری با تأکید بر عدالت فضایی و برخورداری شهری (مطالعه موردی: شهر ایلام)، با روش توصیفی تحلیل و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و بهره‌جستن از دو روش تحلیل عاملی و خوشه‌ای، به بررسی چگونگی توزیع خدمات شهری در سطح شهر ایلام پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در بین سه شاخص خدمات شهری بین محلات شهر ایلام، شرایط شاخص کالبدی نسبت به دیگر شاخص‌ها در موقعیت بهتری قرار داشته و پس‌از آن شاخص اقتصادی و در نهایت شاخص اجتماعی در وضعیت مطلوب قرار گرفته است. از طرفی بر اساس نتایج مقایسه‌ای از دو روش تحلیل (عاملی و خوشه‌ای) مشخص می‌گردد که ناحیه مرکزی در بهترین شرایط، ناحیه شادآباد در شرایط تا حدودی مناسب و نواحی جانبازان، چالیمار، نوروزآباد، آزادگان، رزمندگان و بانبرز در شرایط نامناسب قرار دارند.

نظرآبادی و همکاران (۲۰۲۴). در پژوهشی با عنوان "تحلیل تأثیر توزیع عادلانه خدمات شهری بر موبیلیت شهروندان: دیدگاه عدالت فضایی" با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی رابطه بین توزیع عادلانه خدمات شهری و میزان موبیلیت شهروندان در مناطق نوید و آب و برق مشهد پرداختند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد عدالت فضایی و فعالیت فیزیکی بین‌المللی جمع‌آوری شد و از آزمون‌های آماری آلفای کرونباخ و ضریب اعتبار محتوا برای سنجش روایی و پایایی ابزار استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که دسترسی منصفانه به خدمات شهری تأثیر مستقیمی بر افزایش موبیلیت شهروندان دارد؛ به‌طوری‌که در منطقه آب و برق، همبستگی مثبتی بین شاخص‌های عملکردی (۰/۴۶۶)، زیست‌محیطی (۰/۳۸۴) و زیبایی‌شناختی (۰/۱۴۵) با موبیلیت شهروندان مشاهده شد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که توزیع متوازن خدمات شهری می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای حرکت‌پذیری شهروندان و کاهش نابرابری‌های اجتماعی در فضای شهری مطرح شود.

کورتس یاسنا. (۲۰۲۱). در پژوهشی به‌عنوان دسترسی فضایی به خدمات عمومی محلی در مکانی نابرابر: تحلیل الگوهای تفکیک مسکونی در منطقه کلان‌شهری سانتیاگو، شیلی از روش‌های کمی مانند شاخص دسترسی فضایی، رگرسیون کمیتی و شاخص‌های محلی ارتباط فضایی (LISA) برای تحلیل توزیع خدمات عمومی محلی در منطقه شهری سانتیاگو استفاده کرده است. نتایج نشان داد که دسترسی به خدمات عمومی محلی به‌طور نابرابر بین گروه‌های درآمدی توزیع شده است و گروه‌های کم‌درآمد بیشترین کمبود را در دسترسی به خدمات عمومی تجربه می‌کنند.

مبانی نظری

عدالت اجتماعی و تحلیل فضایی-اجتماعی در حوزه خدمات شهری، از جمله مباحث کلیدی در مطالعات شهری و برنامه‌ریزی شهری است. این مفاهیم به بررسی توزیع عادلانه منابع و خدمات شهری در بین مناطق مختلف شهر و

گروه‌های اجتماعی می‌پردازند. عدالت اجتماعی در خدمات شهری به معنای تضمین دسترسی برابر همه شهروندان به خدمات اساسی مانند آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل عمومی، فضاهای سبز و سایر امکانات شهری است. از سوی دیگر، تحلیل فضایی-اجتماعی به بررسی رابطه بین ساختار فضایی شهر و الگوهای اجتماعی ساکنان آن می‌پردازد و به شناسایی مناطق محروم و کم برخوردار از خدمات شهری کمک می‌کند. این تحلیل‌ها به برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کنند تا سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کنند که به کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی منجر شود. در این بخش، به بررسی برخی از تئوری‌ها، دیدگاه‌ها و نظریات مرتبط با عدالت اجتماعی و تحلیل فضایی-اجتماعی در خدمات شهری پرداخته می‌شود. عدالت توزیعی به توزیع عادلانه منابع و خدمات در جامعه اشاره دارد. این مفهوم از نظریه‌های جان رالز نشأت می‌گیرد و بر این اصل استوار است که توزیع منابع باید به گونه‌ای باشد که بیشترین سود را برای کم برخوردارترین افراد جامعه داشته باشد (Rawls, 1971:303). عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تاریخ و تمدن خویش با آن آشنا بوده و در جهت تحقق آن کوشیده است. عدالت ضمن این که از مقبولیت و محبوبیت فراوانی در نزد مردم، دانشمندان و سیاستمداران جوامع مختلف برخوردار است، در تعریف، تبیین و اجرای آن، برداشت‌ها و ادراکات و عملکردهای متفاوت و گاهی متناقضی وجود داشته است. باین حال جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که از عدالت گریزان باشد، بلکه رعایت عدالت را حتی ضامن بقای جامعه و تمدن دانسته‌اند. به طوری که ویل دورانت ریشه انحطاط و تخریب تمدن‌ها را در بی‌عدالتی و تبعیض می‌داند و می‌گوید «تمدن را نمی‌شود با فتح و غلبه از میان برد، تمدن تنها از درون تخریب می‌شود، مدنیت در جامعه با رعایت تساوی حقوق انسان‌ها شکوفا و بارور می‌شود و تبعیض ریشه آن را می‌خشکاند سلامت ملل مهم‌تر از ثروت ملل است» (دورانت، ۱۳۷۸، صص ۳-۴) به نقل از حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۹). هاروی در بحث عدالت توزیع منطقه‌ای می‌گوید اولین قدم در راه تدوین اصول توزیع عادلانه منطقه‌ای تعیین مفهوم هر یک از سه معیار (نیاز، منفعت عمومی و استحقاق) در چارچوب منطقه‌ای یا سرزمینی است. سپس باید ابزار مناسبی برای ارزشیابی و اندازه‌گیری توزیع برحسب این معیارها به دست آورد. و ترکیبی از این سه معیار (احتمالاً با دادن اهمیت بیشتر به برخی از آن‌ها) را در قالب نظریه‌ای برای ارزشیابی تخصیص منابع به مناطق مختلف به کار گرفت و مناطقی را که از هنجارهای عدالت اجتماعی بیشترین فاصله را دارند، تعیین کرد. هاروی در کتاب عدالت اجتماعی و شهر اشاره می‌کند که دیویس برای اولین بار اصطلاح «عدالت منطقه‌ای» را مطرح کرده و در کتابش مسائلی را که ما در بحث عدالت با آن روبرو هستیم بررسی کرده است. هاروی در بحث نیاز می‌گوید اگر نیاز را مهم‌ترین معیار برقراری عدالت اجتماعی و توزیع منابع در مناطق مختلف بدانیم. آن وقت ابتدا باید تعریفی مبتنی بر عدالت اجتماعی از آن ارائه دهیم و سیستمی برای اندازه‌گیری آن تدوین کنیم (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۷).

عدالت رویه‌ای به فرآیند تصمیم‌گیری در توزیع منابع و خدمات اشاره دارد. این مفهوم بر این اصل استوار است که همه شهروندان باید در فرآیند تصمیم‌گیری‌های شهری مشارکت داشته باشند. عدالت رویه‌ای در خدمات شهری به معنای مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و توزیع خدمات شهری است (Fainstein, 2010: 45). عدالت فضایی به توزیع عادلانه منابع و خدمات در فضاهای شهری اشاره دارد. این مفهوم از نظریه‌های دیوید هاروی و ادوارد سوجا نشأت می‌گیرد و بر این اصل استوار است که توزیع خدمات شهری باید به گونه‌ای باشد که مناطق محروم و کم‌درآمد اولویت بیشتری در دسترسی به خدمات اساسی داشته باشند (Soja, 2010: 72). حق به شهر مفهومی است که توسط هنری لوفور مطرح شده و به حق همه شهروندان در دسترسی برابر به فضاهای شهری و خدمات عمومی اشاره دارد. این مفهوم بر اهمیت مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری و توزیع عادلانه خدمات تأکید می‌کند (Lefebvre, 1974: 156). تحلیل فضایی-اجتماعی به بررسی رابطه بین ساختار فضایی شهر و الگوهای اجتماعی ساکنان آن می‌پردازد. این

تحلیل به شناسایی مناطق محروم و کم برخوردار از خدمات شهری کمک می‌کند و راهکارهایی برای کاهش نابرابری‌های فضایی ارائه می‌دهد (Tsou et al., 2005: 424). شاخص‌های دسترسی به ابزارهایی اشاره دارند که برای اندازه‌گیری دسترسی به خدمات شهری استفاده می‌شوند. این شاخص‌ها شامل شاخص جینی (Gini Index)، شاخص موران (Moran's I) و شاخص دسترسی تجمعی (Cumulative Accessibility) هستند. این شاخص‌ها به برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کنند تا نابرابری‌های فضایی در دسترسی به خدمات شهری را شناسایی کنند (Geurs & van Wee, 2004: 127). نظریه قابلیت‌ها که توسط آمارتیا سن و مارتا نوسبام مطرح شده و بر این اصل استوار است که عدالت اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که همه افراد بتوانند قابلیت‌های خود را به طور کامل توسعه دهند. در حوزه خدمات شهری، این به معنای دسترسی عادلانه به خدمات اساسی مانند آموزش، بهداشت و حمل‌ونقل عمومی است (Nussbaum, 2011: 33).

نظریه عدالت محیطی به توزیع عادلانه مزایا و مضرات محیطی در بین گروه‌های اجتماعی اشاره دارد. این نظریه بر این اصل استوار است که مناطق کم‌درآمد و محروم نباید از نظر دسترسی به خدمات محیطی مانند فضاهای سبز و هوای پاک محروم باشند (Bullard, 1990: 12). نظریه عدالت در برنامه‌ریزی شهری به بررسی نقش برنامه‌ریزی شهری در تحقق عدالت اجتماعی اشاره دارد. این نظریه بر این اصل استوار است که برنامه‌ریزی شهری باید به گونه‌ای باشد که نابرابری‌های اجتماعی و فضایی را کاهش دهد (Fainstein, 2010: 45).

جان رالز در "نظریه عدالت" (۱۹۷۱)، مفهوم عدالت اجتماعی را بر اساس اصول انصاف و برابری فرصت‌ها مطرح می‌کند. رالز معتقد است که توزیع منابع و خدمات در جامعه باید به گونه‌ای باشد که بیشترین سود را برای کم برخوردارترین افراد جامعه داشته باشد. این نظریه به عنوان "اصل تفاوت" شناخته می‌شود و در زمینه خدمات شهری، به معنای توزیع عادلانه خدمات به گونه‌ای است که مناطق محروم و کم‌درآمد اولویت بیشتری در دسترسی به خدمات اساسی مانند آموزش، بهداشت و حمل‌ونقل عمومی داشته باشند (Rawls, 1971: 303). دیوید هاروی در "عدالت اجتماعی و شهر" (۱۹۷۳)، مفهوم عدالت فضایی را مطرح می‌کند. هاروی معتقد است که عدالت اجتماعی در شهرها باید به گونه‌ای باشد که توزیع منابع و خدمات شهری به صورت عادلانه و متناسب با نیازهای جمعیتی انجام شود. او تأکید می‌کند که نابرابری‌های فضایی در دسترسی به خدمات شهری، به ویژه در مناطق حاشیه‌نشین و کم‌درآمد، به افزایش نابرابری‌های اجتماعی منجر می‌شود (Harvey, 1973: 87). هانری لوفور در "تولید فضا" (۱۹۷۴)، مفهوم "حق به شهر" را مطرح می‌کند. لوفور معتقد است که همه شهروندان باید حق دسترسی برابر به فضاهای شهری و خدمات عمومی را داشته باشند. او تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی شهری باید به گونه‌ای باشد که نیازهای همه گروه‌های اجتماعی، به ویژه گروه‌های محروم، در نظر گرفته شود. این نظریه بر اهمیت مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری و توزیع عادلانه خدمات تأکید دارد (Lefebvre, 1974: 156). سوزان فاینستین در "شهر عادلانه" (۲۰۱۰)، مفهوم عدالت اجتماعی در شهرها را بر اساس سه اصل دموکراسی، برابری و تنوع مطرح می‌کند. فاینستین معتقد است که شهرها باید به گونه‌ای طراحی شوند که همه شهروندان، بدون توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود، به خدمات شهری با کیفیت دسترسی داشته باشند. او تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی شهری باید به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کند (Fainstein, 2010: 45). فاینستین همچنین بر اهمیت مشارکت شهروندان در فرآیند برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند و معتقد است که این مشارکت می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی در شهرها کمک کند. در سال‌های اخیر، نظریه‌های جدیدی در زمینه عدالت شهری مطرح شده‌اند که بر اهمیت دسترسی عادلانه به خدمات شهری تأکید می‌کنند. برای مثال، کریستوفر الکساندر در "زبان الگو" (۱۹۷۷)، بر اهمیت طراحی شهری مشارکتی و

عدالانه تأکید می‌کند. او معتقد است که شهرها باید به گونه‌ای طراحی شوند که نیازهای همه گروه‌های اجتماعی، به‌ویژه گروه‌های محروم، در نظر گرفته شود (Alexander, 1977: 112).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث روش، توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش به‌منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از روش‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. بدین ترتیب که در بیان ابعاد و مفاهیم نظری، پیشینه تحقیق ویژگی‌های جغرافیایی و جمعیتی قلمرو مورد مطالعه از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و به‌منظور تکمیل اطلاعات کتابخانه‌ای و تحلیل فضایی-اجتماعی محلات شهر مرودشت با تأکید بر عدالت دسترسی به خدمات شهری از روش میدانی استفاده شده است.

در این پژوهش، ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان شهر مرودشت بالای ۱۸ سال سن است و جمعیت شهر مرودشت طبق سرشماری ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، ۱۶۶۰۰۰ نفر بود که بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای معادل ۳۸۴ نفر به دست آمد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای استفاده شد و پرسشنامه‌ها به‌صورت هدفمند در ۱۸ محله شهر توزیع گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به‌کارگیری روش‌های پیشرفته آماری شامل آزمون آماری خی‌دو (Chi-Square، Tukey HSD) انجام شد. برای سنجش متغیرهای پژوهش، از طیف لیکرت پنج سطحی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) در طراحی پرسشنامه بهره‌گیری شد. این رویکرد جامع، امکان تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و ارائه نتایج قابل‌اعتماد را فراهم کرد.

به‌منظور تعیین روایی پرسشنامه، از اعتبار محتوایی استفاده گردید. برای سنجش اعتبار محتوایی از آراء متخصصان، و کارکنان سازمان‌ها استفاده شد. ابتدا به طراحی پرسشنامه در تحقیق حاضر بر اساس نظرات خبرگان اقدام گردید؛ سپس به‌منظور تعیین روایی، از تحلیل عاملی استفاده شد که روایی کلی حاصل از پرسشنامه ۸۷/۸۱ بوده است. بررسی پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ صورت گرفت. مقدار ضریب به‌دست‌آمده برای متغیرهای اصلی تحقیق بعد از انجام روایی به میزان ۰/۸۹ بوده است. با توجه به این که برای تمام متغیرها این مقدار بالای ۰/۷ است، می‌توان گفت که ابزار از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

یافته‌ها

در این پژوهش که با هدف بررسی دسترسی عدالانه به خدمات شهری در محلات شهر مرودشت انجام شد، داده‌های جمع‌آوری شده از ۳۸۴ نفر شهروند در نیمه اول سال ۱۴۰۳ جمع‌آوری گردید. یافته‌های توصیفی تحقیق شامل متغیرهایی مانند سن، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، شغل و درآمد موردبررسی قرار گرفته‌اند. میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۵۲،۵۲ سال بود، با غالب بودن گروه سنی ۵۰-۶۰ سال و حضور بیشتر مردان (۶۱،۱٪) نسبت به زنان (۳۸،۹٪). وضعیت تأهل نشان می‌دهد ۹۰،۱٪ متأهل هستند، و تنها ۱،۳٪ مطلقه یا بیوه است. بیشترین سطح تحصیلات مدرک کاردانی (۳۳،۴٪) و ۴،۷٪ دارای مدرک دکتری هستند. از لحاظ شغلی، ۴۲،۶٪ شاغل موقت، ۳۴،۷٪ بازنشسته، و فقط ۱٪ بیکار هستند. میانگین هزینه خانوار بین ۲۲-۲۸ میلیون تومان (۳۷،۳٪) قرار دارد، و بیشترین منبع درآمد (۵۶،۴٪) از شغل سرپرست خانوار است. توزیع جمعیت در محلات نسبتاً یکنواخت بود.

با تکیه بر یافته‌های توصیفی که تصویری از ویژگی‌های جمعیتی و الگوهای اولیه دسترسی به خدمات در محلات مرودشت ارائه داد، این بخش با بهره‌گیری از روش‌های استنباطی به آزمون عمیق‌تر نابرابری‌های فضایی-اجتماعی می‌پردازد. در این قسمت، به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه "بررسی دسترسی عادلانه به خدمات شهری در محلات مختلف شهر مرودشت" پرداخته می‌شود ابتدا در قسمت یافته‌های استنباطی سؤالات و هدف طرحان مطرح و سپس تحلیل می‌گردد. این مرحله از تحلیل، پایه‌ای تجربی برای شناسایی محلات محروم و طراحی راهکارهای عدالت محور در برنامه‌ریزی شهری ارائه می‌دهد. یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی رضایت شهروندان از محیط زندگی، احساس مثبت یا منفی آن‌ها نسبت به شهر و محله خود است. بر اساس نتایج پرسشنامه، ۸۷٫۵٪ از پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که شهر و محله خود را دوست دارند، درحالی‌که ۱۲٫۵٪ اعلام کرده‌اند که دوست ندارند و این اعداد نشان‌دهنده تمایل قابل‌توجه شهروندان به محیط زندگی خود است، اما نیاز به بررسی دلایل نارضایتی نیز وجود دارد.

جدول ۱. فراوانی و درصد تجمعی پاسخگویان در پاسخ به سؤال دوست داشتن شهر و محله خود

دوست داشتن شهر و محله خود	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بله	۳۳۵	۸۷٫۵	۸۷٫۵
خیر	۴۸	۱۲٫۵	۱۰۰

یکی دیگر از شاخص‌های مهم در ارزیابی کیفیت زندگی و رضایت شهروندان، دسترسی آن‌ها به خدمات اساسی مانند مراکز درمانی است. بر اساس نتایج پرسشنامه انجام شده در محلات مختلف شهر مرودشت، ۴۴٫۱٪ از پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که به مراکز درمانی در محله خود دسترسی دارند، درحالی‌که ۵۵٫۹٪ اعلام کرده‌اند که این دسترسی را ندارند.

جدول ۲. فراوانی و درصد تجمعی پاسخگویان در پاسخ به سؤال دسترسی به مراکز درمانی

دسترسی به مراکز درمانی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بله	۱۶۹	۴۴٫۱	۴۴٫۱
خیر	۲۱۴	۵۵٫۹	۱۰۰

جدول ۳. آزمون آماری خی‌دو (Chi-Square)

Value مقدار	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)
۱۸,۳,۵۱۵	۱۷	.۰۰۰
۲۱۷,۰۴۴	۱۷	.۰۰۰
۸۸,۳۹۳	۱	.۰۰۰
۳۸۳		تعداد موارد معتبر

جدول فراوانی نشان می‌دهد که توزیع دسترسی به مراکز درمانی در بین محلات مختلف شهر مرودشت نامتعالی است. محلاتی مانند "شهرک فرهنگیان" و "بیمست‌متری بیمارستان قدیم" با تعداد پاسخ‌دهندگان بالایی، که به مراکز درمانی دسترسی دارند، موقعیت بهتری نسبت به سایر محلات برخوردارند. در مقابل، محلاتی مانند "سهل‌آباد و فردوسی" و "پشت باسکول اطمینان" کمترین سطح دسترسی را دارند که این نابرابری‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل‌توجه در توزیع خدمات بهداشتی در بین محلات مختلف شهر است. نتایج آزمون خی‌دو نشان می‌دهد که سطح معناداری برای آزمون خی‌دو پیرسون برابر با ۰٫۰۰۰ است، که نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین محله و دسترسی به مراکز درمانی است. این نتیجه نشان می‌دهد که محله‌های مختلف شهر مرودشت به‌طور قابل‌توجهی در دسترسی به مراکز درمانی اختلاف

دارند. محلات مرکزی و پرجمعیت‌تر مانند "سایپا" و "شهرک فرهنگیان" به‌طور قابل‌توجهی دسترسی بهتری به مراکز درمانی دارند، درحالی‌که محلات حاشیه‌ای مانند "پشت باسکول اطمینان" "سهل‌آباد و فردوسی" در این زمینه محروم‌تر هستند.

جدول ۴. فراوانی و درصد تجمعی پاسخگویان در پاسخ به سؤال دسترسی به مراکز آموزشی

دسترسی به مراکز آموزشی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بله	۳۰۶	۷۹,۹	۷۹,۹
خیر	۷۷	۲۰,۱	۱۰۰

بر اساس جدول فراوانی شماره ۴ و درصد تجمعی پاسخ‌دهندگان، ۷۹,۹٪ از شهروندان محلات مختلف شهر مرودشت اعلام کرده‌اند که به مراکز آموزشی در محله خود دسترسی دارند، درحالی‌که ۲۰,۱٪ دسترسی مناسبی به این خدمات ندارند. این ارقام نشان‌دهنده سطح بالایی از دسترسی به مراکز آموزشی در بین محلات شهر مرودشت است، اما وجود حدود ۲۰٪ افراد بدون دسترسی به این خدمات، نیازمند بررسی دقیق‌تری برای شناسایی علل محرومیت است.

جدول ۵. فراوانی و درصد تجمعی پاسخگویان در پاسخ به سؤال زمان دسترسی به مراکز آموزشی در محلات شهر

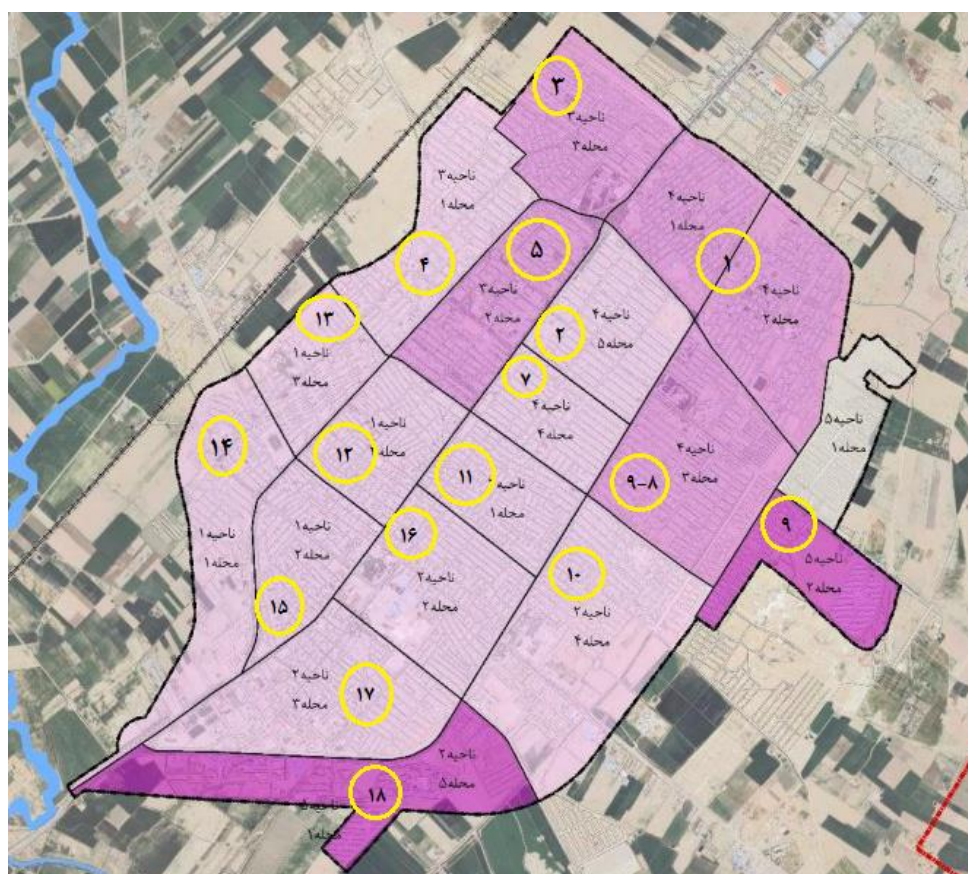
شماره محله در نقشه	محله	کمتر از ۱۰ دقیقه	بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه	بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه	بیش از ۳۰ دقیقه	جمع
۱	شهرک فرهنگیان	۱۱	۷	۰	۰	۱۸
۲	بیست‌متری بیمارستان	۵	۸	۴	۰	۱۷
۳	سایپا	۷	۷	۰	۰	۱۴
۴	علی‌آباد و محمدآباد	۸	۷	۲	۰	۱۷
۵	مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی	۱۸	۳	۰	۰	۲۱
۶	شهرک مهدیه	۰	۱	۵	۰	۶
۷	ژیان تا امیرکبیر	۱۷	۰	۰	۰	۱۷
۸	بهارستان	۷	۱۲	۰	۰	۱۹
۹	ثبت‌احوال	۱۸	۳	۰	۰	۲۱
۱۰	شصت متری	۰	۱۶	۹	۰	۲۵
۱۱	پشم زنی	۶	۱۱	۰	۰	۱۷
۱۲	کاووسی	۱۳	۸	۰	۰	۲۱
۱۳	امیرآبادکهنه تا مختارآباد	۴	۷	۳	۱	۱۵
۱۴	پشت باسکول اطمینان	۰	۰	۶	۲	۸
۱۵	شهربانی تا باغ فرهنگی	۹	۹	۱	۱	۲۰
۱۶	فرهنگ و دولت‌آباد	۱۳	۶	۰	۰	۱۹
۱۷	سهل‌آباد و فردوسی	۰	۳	۱۳	۱	۱۷
۱۸	شهرک ولایت و تاکسیرانی	۰	۰	۹	۶	۱۵
-	جمع	۱۳۶	۱۰۸	۵۲	۱۱	۳۰۷

همچنین، نتایج آزمون آماری خی‌دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین محله و زمان دسترسی به مراکز آموزشی وجود دارد ($P < 0.001$). محلاتی مانند "شهرک فرهنگیان"، "بیست‌متری بیمارستان قدیم"، و "سایپا" با بالاترین سطح دسترسی به مراکز آموزشی را دارند. در تحلیل زمان دسترسی به مراکز آموزشی، مشاهده می‌شود که محلات مختلف شهر مرودشت در میزان زمان رسیدن به این خدمات اختلاف قابل‌توجهی دارند. محلاتی مانند "مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی" و "فرهنگ و دولت‌آباد" دارای کمترین زمان دسترسی (کمتر از ۱۰ دقیقه) هستند، درحالی‌که محلاتی

مانند "شهرک ولایت و تاکسیرانی" و "شهربانی تا باغ فرهادی" دارای بلندترین زمان دسترسی (بیش از ۳۰ دقیقه) قرار دارند. تفاوت‌های موجود در زمان دسترسی به مراکز آموزشی می‌تواند به عواملی مانند موقعیت مکانی محلات نسبت به مراکز شهری، توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی، و توزیع نامتعادل مراکز آموزشی در بین محلات برمی‌گردد. نتایج آزمون خی‌دو نشان می‌دهد که تفاوت‌های موجود در زمان دسترسی به مراکز آموزشی معنادار است ($P < 0.001$)، که این موضوع نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای کاهش نابرابری‌های فضایی-اجتماعی در توزیع این خدمات است.

جدول ۶- آزمون آماری خی‌دو (Chi-Square)

مقدار (Value)	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)
۳۰۰,۵۳۴	۵۱	.۰۰۰
۲۹۲,۱۳۶	۵۱	.۰۰۰
۴۲,۱۱۵	۱	.۰۰۰
تعداد موارد معتبر	۳۰۷	



نقشه ۱. توزیع فضایی محلات مطابق با شماره محله در جدول شماره ۵

به‌طور کلی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توزیع مراکز آموزشی در شهر مرودشت به‌طور نامتعادلی صورت گرفته است. محلات مرکزی و پرجمعیت‌تر مانند "فرهنگ و دولت‌آباد" و "شهرک فرهنگیان" دارای دسترسی بهتری به مراکز آموزشی هستند، درحالی‌که محلات اطراف شهر مانند "شهربانی تا باغ فرهادی" و "شهرک ولایت و تاکسیرانی" در این زمینه محروم‌تر هستند. این نابرابری‌ها نشان‌دهنده نیاز به توجه بیشتر مدیران شهری به توزیع عادلانه‌تر خدمات آموزشی است. از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که زمان دسترسی به مراکز آموزشی در محلات حاشیه‌ای بلندتر است، که

می‌تواند به دلیل عدم توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی و کمبود مراکز آموزشی در این مناطق باشد. لذا، اتخاذ راهکارهایی مانند احداث مراکز آموزشی در محلات محروم و بهبود شبکه حمل‌ونقل عمومی، ضروری به نظر می‌رسد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که اگرچه بیشترین سهم مربوط به پاسخ‌دهندگانی است که به مراکز آموزشی دسترسی دارند، اما وجود محلاتی با دسترسی ضعیف یا زمان رسیدن بلند، نیازمند توجه مدیران شهری و طراحی سیاست‌های عدالت محور است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نابرابری‌های فضایی-اجتماعی در توزیع خدمات آموزشی هستند و باید با راهکارهایی مانند احداث مراکز آموزشی در محلات محروم و بهبود حمل‌ونقل عمومی پوشش داده شوند.

جدول ۷. Tukey HSD و میانگین رضایت شهروندان از دسترسی به خدمات شهری در محلات

Subset for alpha = 0.05							تعداد N	محله
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
						۱,۳۷	۲۷	شصت متری
						۱,۳۸	۲۱	پشم زنی
					۱,۷۵	۱,۷۵	۲۰	بهارستان
					۱,۷۶	۱,۷۶	۲۱	ولایت و تاکسیرانی
					۲,۰۰	۲,۰۰	۲۱	سایپا
					۲,۰۰	۲,۰۰	۲۱	علی‌آباد و محمدآباد
				۲,۳۸	۲,۳۸	۲,۳۸	۲۱	بیمست‌متری بیمارستان قدیم
			۲,۷۱	۲,۷۱	۲,۷۱		۲۱	شهربانی تا باغ فرهادی
		۲,۹۵	۲,۹۵	۲,۹۵	۲,۹۵		۲۱	شهرک فرهنگیان
		۳,۲۹	۳,۲۹	۳,۲۹			۲۱	سهل‌آباد و فردوسی
		۳,۳۸	۳,۳۸	۳,۳۸			۲۱	ژیان تا امیرکبیر
	۳,۵۲	۳,۵۲	۳,۵۲	۳,۵۲			۲۱	فرهنگ و دولت‌آباد
۳,۷۱	۳,۷۱	۳,۷۱	۳,۷۱				۲۱	کاووسی
۳,۹۰	۳,۹۰	۳,۹۰	۳,۹۰				۲۱	امریاد کهنه تا مختارآباد
۳,۹۰	۳,۹۰	۳,۹۰	۳,۹۰				۲۱	پشت باسکول اطمینان
۴,۱۴	۴,۱۴	۴,۱۴					۲۱	ثبت‌احوال
۴,۷۱	۴,۷۱						۲۱	شهرک مهدیه
۴,۸۱							۲۱	مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی
۱۴۴.	۰۶۷.	۰۶۷.	۰۶۷.	۱۰۰.	۰۶۱.	۲۵۷.		Sig.

در شاخصی دیگر با گویه کیفیت خدمات شهری (بهداشتی، آموزشی، حمل‌ونقل، فضای سبز) در محله خود چقدر راضی هستید؟ مطابق با پاسخ شهروندان در محلات مختلف و با توجه به آزمون آماری مربوطه نتایج ذیل مطابق با جدول شماره ۷ حاصل شد: بر اساس جدول Tukey HSD و تحلیل میانگین رضایت شهروندان از دسترسی به خدمات شهری در محلات مختلف شهر مرودشت، مشاهده می‌شود که محلات شصت متری و پشم زنی با میانگین رضایت ۱,۳۷ و ۱,۳۸ کمترین میزان رضایت را گزارش کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که شهروندان این محلات به‌طور قابل‌توجهی از دسترسی ضعیف به خدمات شهری (مانند آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و فضای سبز) رنج می‌برند. از سوی دیگر، محلات مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی با میانگین رضایت ۴,۷۱ و ۴,۸۱ بالاترین میزان رضایت را نشان می‌دهند. تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که برخی از محلات به دلایلی مانند موقعیت جغرافیایی، سرمایه‌گذاری بیشتر یا برنامه‌ریزی مناسب‌تر، از خدمات شهری با کیفیت‌تری بهره‌مند شده‌اند. از طرفی، محلاتی که در پایین‌ترین زیرگروه‌ها قرار دارند، ممکن است به دلیل دوری از مراکز شهری، کمبود بودجه یا عدم توجه کافی مسئولین، از دسترسی به خدمات

شهری محروم شده‌اند. این نابرابری‌ها می‌تواند به تشدید شکاف اجتماعی و اقتصادی بین محلات مختلف منجر شود. بنابراین، اقداماتی مانند افزایش سرمایه‌گذاری در محلات محروم، توسعه زیرساخت‌ها و بهبود کیفیت خدمات در مناطق ضعیف‌تر می‌تواند به کاهش این نابرابری‌ها و افزایش رضایت شهروندان کمک کند. شاخص بعدی با این گویه که مهم‌ترین مشکل شما در دسترسی به خدمات شهری چیست؟ برای بررسی پاسخ شهروندان از آزمون خی دو استفاده شد. بر اساس جدول فروانی، محلات مختلف شهر با توجه به نوع مشکل دسترسی به خدمات شهری طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که بیشترین مشکل در دسترسی به خدمات شهری شامل "کیفیت پایین خدمات"، "ترافیک و مشکلات حمل‌ونقل"، و "فاصله زیاد" است. برای مثال، محلاتی مانند "شهرک فرهنگیان" و "بست‌متری بیمارستان قدیم" بیشترین تعداد مشکل را در زمینه کیفیت پایین خدمات و ترافیک گزارش کرده‌اند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نابرابری‌های موجود در توزیع خدمات شهری و نحوه دسترسی به آن‌ها در بین محلات مختلف شهر مرودشت است.

جدول ۸. آزمون آماری خی دو (Chi-Square)

(sig)	سطح معناداری	درجه آزادی (df)	مقدار (Value)
۰.۵۵۸	۶۸	۶۵,۶۶۷	خی دوی پیرسون
۰.۴۲۶	۶۸	۶۹,۵۲۰	نسبت درستمایی
۰.۱۶۰	۱	۱,۹۷۵	ارتباط خطی-خطی
	۳۸۳		تعداد موارد معتبر

جدول ۸ نیز به تحلیل آماری خی دو (Chi-Square) برای بررسی رابطه بین متغیرهای محله و نوع مشکل دسترسی به خدمات شهری می‌پردازد. نتایج آزمون خی دو نشان می‌دهد که سطح معناداری برای آزمون خی دوی پیرسون برابر با ۰,۵۵۸ است، که نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین محله و نوع مشکل دسترسی به خدمات شهری است. با این حال، ارتباط خطی-خطی با سطح معناداری ۰,۱۶۰ نشان می‌دهد که هیچ رابطه خطی قوی بین این دو متغیر وجود ندارد. این نتایج نشان می‌دهند که هرچند نوع مشکل دسترسی به خدمات شهری در بین محلات مختلف تفاوت دارد، اما این تفاوت‌ها به صورت کلی تحت تأثیر عوامل محله‌ای قرار نمی‌گیرد و ممکن است به دلیل عوامل دیگری مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنان، موقعیت مکانی محله نسبت به مراکز شهری، و توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی باشد.

جدول ۹. آزمون آماری خی دو (Chi-Square)

(sig)	سطح معناداری	درجه آزادی (df)	مقدار (Value)
۰.۵۲۲	۱۳۶	۱۳۴,۴۱۹	خی دوی پیرسون
۰.۲۹۱	۱۳۶	۱۴۴,۵۸۶	نسبت درستمایی
۰.۶۱۷	۱	۰.۲۵۰	ارتباط خطی-خطی
	۳۸۳		تعداد موارد معتبر

توزیع پاسخ‌ها به سؤال ("مهم‌ترین خواسته‌های شما برای بهبود وضعیت شهر و محله") در بین محلات مختلف شهر مرودشت مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس فرکانس پاسخ‌ها، حوزه عمرانی با مجموع ۷۵ پاسخ، بیشترین انتخاب را از طرف شهروندان داشته است، درحالی‌که حوزه اجتماعی-فرهنگی با مجموع ۲۱ پاسخ، کمترین انتخاب را ثبت کرده است. این نتایج نشان می‌دهد که اکثر ساکنان شهر مرودشت به بهبود حوزه‌های عمرانی و اقتصادی (۹۰ پاسخ) توجه بیشتری دارند، درحالی‌که حوزه‌های فرهنگی و سیاسی به‌عنوان اولویت کمتری در نظر گرفته شده‌اند. محله‌هایی مانند "شهرک فرهنگیان" و "شصت متری" در انتخاب حوزه عمرانی و اقتصادی بیشترین فرکانس را نشان داده‌اند، درحالی‌که

محله "شهرک مهدیه" به‌طورکلی در تمام حوزه‌ها فرکانس پاسخ کمتری داشته است. آزمون Chi-Square نشان می‌دهد که P-value برای آزمون Pearson Chi-Square برابر با ۰,۵۲۲ است، که بزرگ‌تر از سطح معناداری ۰,۰۵ است. این نتیجه نشان می‌دهد که هیچ ارتباط معناداری بین محله و مهم‌ترین خواسته‌های شهروندان برای بهبود شهر وجود ندارد. با توجه به نتایج آزمون Chi-Square و تحلیل فرکانس پاسخ‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف انتظارات، محله‌ها نقش معناداری در تعیین مهم‌ترین خواسته‌های شهروندان برای بهبود شهر و محله نداشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که اولویت‌های شهروندان در بهبود حوزه‌های مختلف شهری بیشتر تحت تأثیر عوامل عمومی و غیر محلی قرار دارد. به‌عنوان مثال، حوزه عمرانی با ۷۵ پاسخ، به‌عنوان اولویت بیشترین شهروندان شناخته شده است، درحالی‌که حوزه اجتماعی-فرهنگی تنها ۲۱ پاسخ دریافت کرده است. این نتایج نشان می‌دهد که مدیران شهری باید به بهبود حوزه‌های عمرانی و اقتصادی توجه بیشتری داشته باشند، زیرا این حوزه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین اولویت شهروندان شناسایی شده‌اند.

جدول ۱۰. فراوانی پاسخ به سؤال بهترین محله شهر از دید شهروندان شهر مرودشت

محله	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
شهرک فرهنگیان	۳۰	۷,۸	۷,۸
بست‌متری بیمارستان قدیم	۴۵	۱۱,۷	۱۹,۶
سایپا	۸۷	۲۲,۷	۴۲,۳
علی‌آباد و محمدآباد	۶	۱,۶	۴۳,۹
مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی	۱۰۳	۲۶,۹	۷۰,۸
شهرک مهدیه	۶	۱,۶	۷۲,۳
ژیان تا امیرکبیر	۱۳	۳,۴	۷۵,۷
بهارستان	۱۶	۴,۲	۷۹,۹
ثبات‌حوال	۹	۲,۳	۸۲,۲
شصت متری	۴	۱,۰	۸۳,۳
پشم زنی	۸	۲,۱	۸۵,۴
کاووسی	۵	۱,۳	۸۶,۷
امراباد کهنه تا مختارآباد	۵	۱,۳	۸۸,۰
شهربانی تا باغ فرهادی	۱۷	۴,۴	۹۲,۴
فرهنگ و دولت‌آباد	۶	۱,۶	۹۴,۰
سهل‌آباد و فردوسی	۸	۲,۱	۹۶,۱
ولایت و تاکسیرانی	۱۵	۳,۹	۱۰۰
جمع	۳۸۳		۱۰۰,۰

در تحلیل زیر، به با توجه به جدول ۱۰ که به بررسی نتایج سؤال "کدام محله شهر را بهتر می‌دانید؟" پرداخته شده است که به شناسایی محله‌های مورد ترجیح شهروندان شهر مرودشت می‌پردازد. بر اساس داده‌های جدول ۱۰، محله مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی با فراوانی ۱۰۳ پاسخ بالاترین امتیاز و بیشترین انتخاب را از طرف شهروندان داشته است، که معادل ۲۶,۹٪ از کل پاسخ‌دهندگان می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که محله مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی به‌عنوان بهترین محله شهر مرودشت از نظر شهروندان شناخته شده و در مقابل، محله‌های شصت متری با فراوانی ۴ پاسخ، کمترین انتخاب را داشته‌اند، که نشان می‌دهد این محله از دیدگاه شهروندان، در رتبه پایینی قرار دارند. علل محتمل این تفاوت‌ها می‌توانند شامل موقعیت مکانی، دسترسی به خدمات شهری، کیفیت زندگی، و شرایط اقتصادی-اجتماعی محلات باشند. به‌عنوان نمونه، سایپا و مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی به‌دلیل نزدیکی به مراکز شهری و دسترسی به

امکانات و خدمات بهتر، بیشترین انتخاب را کسب کرده‌اند، درحالی‌که محلاتی مانند امرآباد کهنه و شصت متری به علت دوری از مراکز شهری یا کمبود امکانات لازم، کمترین انتخاب را ثبت کرده‌اند. بنابراین، نتایج نشان می‌دهند که توزیع ارزش‌گذاری محلات توسط شهروندان نامتوازن است و برخی محلات از نظر کیفیت زندگی و دسترسی به خدمات، در موقعیت بهتری قرار دارند. این تفاوت‌ها نیازمند توجه مدیران شهری به برنامه‌ریزی عدالت محور و کاهش نابرابری‌های فضایی-اجتماعی است.

بحث

بین دسترسی فیزیکی و دسترسی اجتماعی به خدمات تفاوت وجود دارد. به‌عنوان مثال، ممکن است یک بیمارستان بسیار مجهز و لوکس در کنار یک محله فقیر احداث گردد و ظاهراً روی نقشه دسترسی فیزیکی مناسبی به نظر برسد، اما اهالی به علت ناپرسوداری از امکانات مالی، امکان استفاده از خدمات چنین بیمارستانی را نداشته باشند. نتایج حاضر نشان می‌دهند که توزیع خدمات شهری در محلات مختلف شهر مرودشت به‌طور نامتعادلی صورت گرفته است. این نابرابری‌ها با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همچون امان‌پور و همکاران (۱۴۰۲) و رضایی و همکاران (۱۴۰۴) هماهنگ است. این مطالعات نیز تأکید کردند که مناطق حاشیه‌ای و کم‌درآمد شهرها از دسترسی به خدمات اساسی مانند مراکز بهداشتی، آموزشی و حمل‌ونقل عمومی محروم‌تر هستند. به‌عنوان مثال، محلاتی مانند "شهربانی تا باغ فرهادی" و "سهل‌آباد و فردوسی" در شهر مرودشت، به دلیل دوری از مراکز شهری و کمبود زیرساخت‌ها، دسترسی ضعیف‌تری به این خدمات دارند. این نابرابری‌ها با یافته‌های Cortés درباره نابرابری فضایی در دسترسی به خدمات عمومی محلی همخوانی دارد که نشان می‌دهد موقعیت مکانی و سطح درآمد ساکنان نقش مهمی در توزیع خدمات شهری ایفا می‌کند. تحلیل رضایت شهروندان از خدمات شهری در محلات مختلف نشان می‌دهد که محلات مرکزی و پرجمعیت‌تر مانند "مسجد الرسول تا تأمین اجتماعی" و "سایا" بالاترین سطح رضایت را دارند، درحالی‌که محلات حاشیه‌ای مانند "شصت متری" و "پشم زنی" کمترین میزان رضایت را گزارش کرده‌اند. این یافته‌ها با نتایج Wang و Delmelle همخوانی دارد که تأکید دارند دسترسی به خدمات شهری (مانند مراکز بهداشتی و آموزشی) به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنان قرار دارد. همچنین، مشاهدات حاضر نشان می‌دهد که کمبود شبکه حمل‌ونقل عمومی و توزیع نامتعادل مراکز آموزشی و بهداشتی، عوامل اصلی نابرابری‌های فضایی-اجتماعی در شهر مرودشت هستند. این موضوع با یافته‌های Patil و Sharma درباره تأثیر توزیع خدمات بر نابرابری‌های اجتماعی تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاضر و مقایسه با پژوهش‌های پیشین، اتخاذ راهکارهایی مانند افزایش سرمایه‌گذاری در محلات محروم، توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی، و احداث مراکز آموزشی و بهداشتی در مناطق حاشیه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. این پیشنهادها با توصیه‌های Li و Hosseini درباره بهبود دسترسی به خدمات شهری همخوانی دارد. علاوه بر این، توجه به نظریه‌های عدالت فضایی مانند آثار جان رالز و هنری لوفور که تأکید دارند تمام شهروندان باید به‌طور عادلانه به خدمات شهری دسترسی داشته باشند، می‌تواند به مدیران شهری کمک کند تا سیاست‌های عدالت‌محوری را طراحی کنند.

در نهایت، برنامه‌ریزی دقیق‌تر و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، کلید کاهش نابرابری‌های موجود در شهر مرودشت خواهد بود. این تحقیق بر ضرورت توجه به عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌کند که مدیران شهری باید به‌طور جدی به توزیع عادلانه خدمات شهری توجه کنند تا کیفیت زندگی ساکنان بهبود یابد و نابرابری‌های اجتماعی کاهش یابد.

به‌طور کلی، نتایج این تحقیق نشان‌دهنده نیاز به رویکردهای جامع و عدالت محور در برنامه‌ریزی شهری است که می‌تواند به بهبود دسترسی به خدمات و کاهش نابرابری‌های فضایی-اجتماعی در شهر مرودشت کمک کند.

حامی مالی

این اثر حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش

نویسندگان در تمامی مراحل و بخش‌های انجام پژوهش سهم برابر داشتند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از تمام کسانی که در مراحل مختلف تحقیق، تحلیل، تدوین و نگارش ما را یاری کردند، تقدیر و سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- احمدی، مسعود و عزیزی، علیرضا (۱۴۰۳). حقوق شهری و قوانین شهری مطالعه موردی شهر مرودشت. *اولین همایش حقوق شهری و شهرسازی، اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳*.
- احد نژاد، محسن؛ زلفی، علی و نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۲). ارزیابی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری با رویکرد توسعه پایدار و عدالت اجتماعی با استفاده از مدل‌های TOPSIS و VIKOR. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۵(۲)، ۱۸۳-۱۶۹.
- امان‌پور، سعید و فدایی جزئی، فهیمه. (۱۴۰۲). سنجش عدالت اجتماعی در ساختار فضایی بندر دیر با تأکید بر کاربری‌های خدماتی. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۱۳(۲)، ۲۰-۱.
- حاتمی نژاد، حسین و راستی، عمران. (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی. *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۳(۹)، ۵۰-۳۸.
- داداش‌پور، هاشم و رستمی، فرامرز. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل نحوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۶، ۱۷۱-۱۹۸.
- رضایی، شهریار؛ اشکان، آریان و محمدپور، صابر. (۱۴۰۴). تحلیلی بر پراکنش خدمات شهری با تأکید بر رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر مشهد). *مجله اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، ۶(۱)، ۱۱۷-۹۶.
- محمدی کاظم‌آبادی، لیلا؛ خانی زاده، محمدعلی و بابایی چله بری، محسن. (۱۳۹۸). تحلیلی بر پراکنش خدمات و جمعیت شهری با تأکید بر عدالت فضایی و برخورداری شهری (مطالعه موردی: شهر ایلام). *مجله جغرافیایی/اجتماعی*، ۶(۱)، ۱۹۱-۱۷۵.
- نصیری هنده خاله، اسماعیل. (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر قزوین). *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۲۸(۸)، ۱۳۳-۱۵۳.

یغفوری، حسین؛ قاسمی، سجاد و قاسمی، نرگس. (۱۳۹۶). بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۲ (۳)، ۱۱۴-۱۲۸.

ملکی، سعید و رضایی اسحاق وندی، ساره. (۱۴۰۱). تحلیل شاخص‌های عدالت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهری مطالعه موردی: منطقه یک شهر کرمانشاه. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۹ (۴)، ۷۵-۹۱.

عزیزی دانالو، سمانه و مجتبی زاده خانقاهی، حسین. (۱۳۹۹). ارائه مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهر تهران). *فصلنامه شهر پایدار*، ۴ (۳)، ۷۵-۹۰.

References

- Ahdnejad, M., Zolfi, A., & Norouzi, M. J. (2013). Evaluation of population distribution and service distribution in urban areas with a sustainable development and social justice approach using TOPSIS and VIKOR models. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 5(2), 169-183. [in Persian]
- Ahmadi, M., & Azizi, A. (2024). Urban law and urban regulations: A case study of Marvdasht City. *First Conference on Urban Law and Urban Planning*, May 2024. [in Persian]
- Alexander, C. (1977). *A pattern language: Towns, buildings, construction*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195019193.001.0001>
- Amanpour, S., & Fadaei Jozee, F. (2023). Measuring social justice in the spatial structure of Bandar Deyr with emphasis on service land uses. *Spatial Planning*, 13(2), 1-20. [in Persian]
- Azizi Danalu, S., & Mojtazadeh Khanqahi, H. (2020). Presenting a model for equitable distribution of urban services based on social justice (Case study: District 11 of Tehran). *Journal of Sustainable City*, 4(3), 75-90. [in Persian]
- Basu, R., & Ferreira, J. (2021). Planning car-lite neighborhoods: Does bikesharing reduce auto-dependence? *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 92, 102721. <https://doi.org/10.1016/j.trd.2021.102721>
- Bullard, R. D. (1990). *Dumping in Dixie: Race, class, and environmental quality*. Westview Press. <https://doi.org/10.4324/9780429495274>
- Cortés, Y. (2021). Spatial accessibility to local public services in an unequal place: An analysis from patterns of residential segregation in the metropolitan area of Santiago, Chile. *Sustainability*, 13(2), 442. <https://doi.org/10.3390/su13020442>
- Dadashpour, H., & Rostami, F. (2011). Investigation and analysis of the distribution of urban public services from the perspective of spatial justice. *Journal of Geography and Regional Development*, 16, 171-198. [in Persian]
- Delmelle, E., Nilsson, I., & Adu, P. (2021). Poverty suburbanization, job accessibility, and employment outcomes. *Social Inclusion*, 9(2), 166-181. <https://doi.org/10.17645/si.v9i2.3710>
- Fainstein, S. S. (2010). *The just city*. Cornell University Press. <https://doi.org/10.7591/9780801457311>
- Galaskiewicz, J., Anderson, K. F., & Thompson-Dyck, K. (2021). Minority-White income inequality across metropolitan areas: The role of racial/ethnic residential segregation and transportation networks. *Journal of Urban Affairs*, 43(1), 16-39. <https://doi.org/10.1080/07352166.2020.1769014>
- Geurs, K. T., & van Wee, B. (2004). Accessibility evaluation of land-use and transport strategies: Review and research directions. *Journal of Transport Geography*, 12(2), 127-140. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2003.10.005>
- Harvey, D. (1973). *Social justice and the city*. University of Georgia Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctt46n9q7>
- Hataminejad, H., & Rasti, O. (2006). Social justice and spatial justice: A review and comparison of the theories of John Rawls and David Harvey. *Quarterly Journal of Geographical Territory*, 3(9), 38-50. [in Persian]
- Hosseini, A., Farhadi, E., Hussaini, F., Pourahmad, A., & Seraj Akbari, N. (2021). Analysis of spatial (in)equality of urban facilities in Tehran: An integration of spatial accessibility. *Springer Nature*, 1-30.
- Lefebvre, H. (1974). *The production of space*. Blackwell Publishing. <https://doi.org/10.1002/9780470979587>

- Li, H., Wang, Q., Deng, Z., Shi, W., & Wang, H. (2015). Residential clustering and spatial access to public services in Shanghai. *Habitat International*, 46, 119-129. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2014.12.001>
- Maleki, S., & Rezaei Ishaq Vandi, S. (2022). Analysis of social justice indicators and access to urban services: A case study of District 1 of Kermanshah City. *Journal of Geography and Urban Space Development*, 9(4), 75-91. [in Persian]
- Mohammadi Kazemabadi, L., Khanizadeh, M. A., & Babaei Cheleh Bari, M. (2019). An analysis of the distribution of services and urban population with emphasis on spatial justice and urban enjoyment (Case study: Ilam City). *Journal of Social Geography*, 6(1), 175-191. [in Persian]
- Nasiri Handeh Khaleh, E. (2018). Analysis of spatial inequalities in the distribution of urban services with a spatial justice approach (Case study: Qazvin City). *Journal of Geographical Space Planning*, 28(8), 133-153. [in Persian]
- Nazarabadian, M., Razmaramina, M., & Pilehvar, A. A. (2024). Analyzing the impact of equitable urban service distribution on citizen mobility: A spatial justice perspective. *International Journal of Human Capital in Urban Management*, 9(4), 653-670. <https://doi.org/10.22034/IJHCUM.2024.04.07>
- Nussbaum, M. C. (2011). *Creating capabilities: The human development approach*. Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/harvard.9780674061200>
- Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/9780674042605>
- Rezaei, S., Ashkan, A., & Mohammadpour, S. (2025). An analysis of the distribution of urban services with emphasis on the spatial justice approach (Case study: Mashhad City). *Journal of Urban Economics and Planning*, 6(1), 96-117. [in Persian]
- Saroj, S. K., Goli, S., Rana, M. J., & Choudhary, B. K. (2020). Availability, accessibility, and inequalities of water, sanitation, and hygiene (WASH) services in Indian metro cities. *Sustainable Cities and Society*, 54, 101878. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101878>
- Sharma, G., & Patil, G. R. (2021). Urban spatial structure and equity for urban services through the lens of accessibility. *Transport Policy*, 146, 72-90.
- Soja, E. W. (2010). *Seeking spatial justice*. University of Minnesota Press. <https://doi.org/10.5749/minnesota/9780816666676.001.0001>
- Sun, W., Fu, Y., & Zheng, S. (2016). Local public service provision and spatial inequality in Chinese cities: The role of residential income sorting and land-use conditions. *Journal of Regional Science*, 57(3), 547-567. <https://doi.org/10.1111/jors.12301>
- Tsou, K. W., Hung, Y. T., & Chang, Y. L. (2005). An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities. *Cities*, 22(6), 424-435. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2005.07.004>
- Wang, D., Cao, X., & Huang, X. (2021). Equity of accessibility to health care services and identification of underserved areas. *Chinese Geographical Science*, 31(1), 167-180. <https://doi.org/10.1007/s11769-021-1187-7>
- Yaghfour, H., Ghasemi, S., & Ghasemi, N. (2017). Investigating spatial justice in the distribution of services with emphasis on urban management: A case study of neighborhoods in District 19 of Tehran. *Quarterly Journal of Geographical Research*, 32(3), 114-128. [in Persian]
- Zhao, P., Li, S., & Liu, D. (2020). Unequable spatial accessibility to hospitals in developing megacities: New evidence from Beijing. *Health & Place*, 65, 102406. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2020.102406>